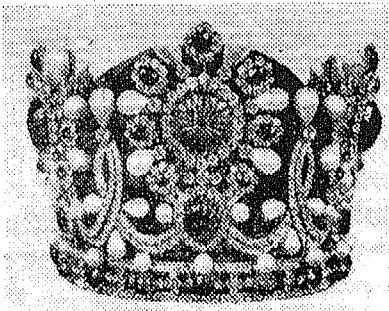


# مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

روزی گذشت پادشهی از گنبر گهی  
 فریاد و بانگ و شور ز هر کوی و بام خاست ،  
 پرسید از آن میانه یکی کودک یشم ؛  
 « کاین تابناک چیست که بر فرق پادشاست ؟ »  
 آن يك جواب داد : « چه دانیم ما که چیست ،  
 پیداست آنقاس که متاعی گرانهاست ،  
 نزدیک رفت پیر زنی کوز پشت و گفت ؛  
 « این اشک دیده من و خون دل شماست ،  
 ما را به چوب و رخت شبانی فریفته است  
 این گرگ سالهاست که با کله آشناست . »  
 پروین اعتصامی



ماه آبان : برای شاه مستبد شبهای نورانی  
 تاجگذاری ، برای قهرمانان خاق سحرگاه تبره مرگ ؛  
 برای شاه تخت طماوس ، برای قهرمانان چوبه  
 انعام !

## جشن پنجاهسالگی اکتبر کبیر باشکوه بی مانندی بر گزار شد

هائی که در پتروگراد صادر شده است روسیه را دچار بلیه جبران ناپذیری خواهد کرد . ولی آنچه دچار بلیه جبران ناپذیر شد رژیم جابرائله بهره کشان بود که برای همیشه در يك ششم کرده زمین مدفون گردید . تنها پنجاه سال از آن تاریخ میگذرد و این مدت در طول تاریخ مدتی است کوتاه ولی کامیابی های مردم شوروی در این مدت کوتاه عظیم است . مردم شوروی و زحمتکشان سراسر دنباله در صفحه ۲

چاه سال پیش ، پس از آنکه حکومت موقت در پتروگراد ، پایتخت آنروز روسیه واژگون گردید این سخن لنین در سراسر جهان طنین افکن شد : « رفقا ! آن انقلاب کاری و دهقانی که بلشویکها همواره از ضرورتش سخن میگفتند انجام گرفت . در آنروزها مدیحه سرایان سرمایه داری در باره شکست قریب الوقوع رژیم شوروی قلمفرسایی میکردند . روزنامه امریکائی « کارنت هیستوری » نوشته بود : « نخستین تصویبنامه

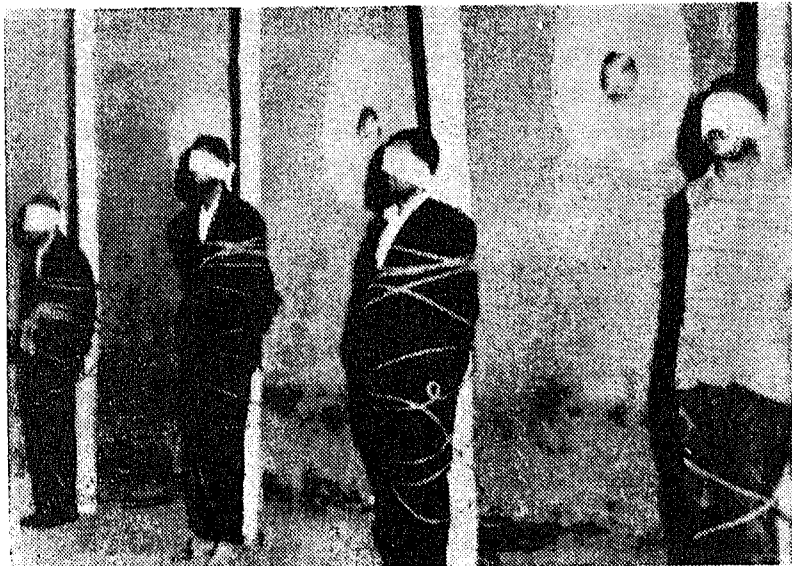
## يك نمایش خنده آور و حزن انگیز در «تماشاخانه» تهران!

نمود. از جهت رعایت کامل «عدالت اجتماعی» تامین هزینه عمومی جشن یعنی رقم کوچک صدها میلیون ریال به خزانه دولت واگذار شد و درآمد ناچیز کارگر و دهقان و پیشه ور صرف برپا کردن طاقهای نصرت ، نوسازی ساختمانها ، رنگ آمیزی مغازه ها و پیشکش هدایای گرانبها به «اعلیحضرتین» گردید . لقمه هائی که میبایست شکم میلیونها کودک نیمه گرسنه را سیر کند ، از کسرآمات شاه تبدیل به ۱۷۷۰۵ شاخه گل ، برابر با تعداد

در هفته های اخیر ، تهران به تماشاخانه يك نمایش خنده آور تبدیل شد . بازیکنان اصلی این نمایش ، محمد رضا شاه ، همسرش فرح دیل و پسر هفت ساله اش رضا بودند و جمع سرریان ، آجودانها ، ملتزمین رکاب و امراء لشکری و کشوری ، در نقشهای فرعی و یا سیاهی لشکر ایفاء وظیفه میکردند . برای تامین هزینه این «کمپدی» پر خرج ، اعلیحضرت بشیوه معمول جیب ملت را در نظر گرفت ، گویا بحسابهای بانکی وی در اروپا و امریکا بعلت «بعد مسافت» !! دسترسی

### به میگیس تئودورا کیس

اینروزها آهنگساز جوان یونانی «میگیس تئودورا کیس» توهن شده ، شکنجه دیده در بیدادگاه فاشیستی بر صندلی اتهام نشست ، جرم او چیست ؟  
 اینکه «ترانه یاد شهید» را پرداخته ، موسیقی جهان پیمای «سوربا» را ساخته ابراها و سمفونی های دل انگیز را بهم پیوسته و نام یونان را به پال سبک نمه ها بدورادور برده است . . . اینکه یونانی است نه فاشیست ، انسان است نه منازشیست ، مبارز است نه برده استعمار .  
 ولی آخر جرم میگیس تئودورا کیس چیست ؟ و جرم همه آنها که در بیدادگاه نظامی بر صندلی اتهام می نشینند ، جرم همه این نگاه های خسته ، دهانهای بسته ، قلم های شکسته طنور های گسسته ؟ بدستور که چکمه ها جناح سینه ها را من شکنند تا زینانه ها بر پلکها کوفته میشود ، سیگار های سوزان گونه های داغ را میگدازد ؟  
 ای خدایان پشیمان ، ای تاجداران و منصبداران بی وجدان ! امروز متکبران خاموشید ولی مطمئن باشید باز پرس زمان شما را به پاسخ خواهد داشت .



اگر ای شاه ، من و همسر زیبای مرا  
 در سحر هدیه کنی چند گل سرب مذاب  
 با سم اسب بکوبی به سر و سینه ما  
 یا شوی مست ز خون من و او جای شراب  
 صبح فردا بپرم باز بخواند بسرود  
 که به هشیاری حزب پدرم باد درود!  
 رفیق شهید سرگرد جعفر وکیلی - زندان تیب زرهی - مهر ماه ۱۳۳۲

## سخنرانی رفیق عبدالصمد کامبخش

عضو بوری کمیته مرکزی حزب توده ایران  
 (در جریان شرکت هیئت نمایندگی ایران در جشن پنجاهمین سالروز انقلاب اکتبر در مسکو)

رأس آن لنین نابغه انقلابی بزرگ ، حکومت سرمایه داران را بر انداخت و زمام قدرت را بدست خود گرفت . انقلاب اکتبر نقش دورانساز داشت و به طبقه کارگر کشور های سرمایه داری الهام بخشید . این انقلاب مثل کشور های مستعمره و نیمه مستعمره را به مبارزه علیه استعمار گران و همدستان داخلی آنها بر انگخت و دورنمای وسیعی در برابر آنها پدید آورد .  
 رفیق کامبخش برای نشان دادن اهمیت انقلاب اکتبر ایران را مثال آورد و گفت :  
 « کشور ما ایران تقریباً ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با اتحاد شوروی دارد و با اینجهت ما چه در گذشته و چه در حال حاضر همواره تأثیر حوادث مهمی را که در کشور همسایه ما روی داده است در حیات خود احساس کرده ایم . روسیه تزاری بر ما ستم میکرد و لی روسیه انقلابی با کمک مینمود .  
 دنباله در صفحه ۵

بطوریکه قبلاً اطلاع داده بودیم هیئت نمایندگی حزب توده ایران از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برای شرکت در جشن پنجاهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به مسکو دعوت شده بود . روز ۵ نوامبر اعضای این هیئت با اتفاق هیئت های نمایندگی جبهه ملی آزادی و شتام جنوبی و حزب کمونیست فرانسه از کارخانه « فرزر » بنام کالینین در مسکو بازدید کردند .  
 در جریان بازدید رفیق کامبخش در باره نقش اتحاد شوروی در جنبش آزادیبخش ملل جهان سخنرانی کرد . متن این سخنرانی در شماره ۸ نوامبر ۱۹۶۷ روزنامه « پراودا » بچاپ رسیده است .  
 رفیق کامبخش در سخنرانی خود پس از تهنیت به کارگران و کارکنان کارخانه بنامست جشن بزرگ پنجاهمین سالروز اکتبر - گفت : در اکتبر ۱۹۱۷ طبقه کارگر قهرمان روسیه برهبری حزب بلشویک ها و در

## جشن پنجاهسالگی اکتبر کبیر با شکوه بی‌مانندی برگزار شد

جهان با احساس امید و غروری که کامیابیهای سوسیالیسم ایجاد کرده است روز فرخنده پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را جشن گرفتند و نمایندگان ده ها میلیون کمونیست در این جشن پرشکوه شرکت جستند و بمناسبت پیروزیها و دست آورد های درخشان به مردم شوروی شادباش گفتند . بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر نه تنها در همه شهر ها و روستا های شوروی سراسر جهان مراسم جشن دامنه داری برگزار شد . آنچه در مسکو و لنینگراد گذشت نقطه اوج این مراسم بود . ساعت ده روز سوم نوامبر در کاخ کنگره های کرمل مجمع فوق العاده ای با شرکت بیش از ۶۰۰۰ تن از نمایندگان سازمان ها و قشر های مختلف و ۹۵ هیئت نمایندگی از کلیه کشورهای جهان تشکیل شد . در جلسات این مجمع که دو روز ادامه داشت تأثیر انقلاب اکتبر در روند انقلاب جهانی نمایان گردید . ترکیب این مجمع تحولات ژرفی را که پس از اکتبر ۱۹۱۷ در جامعه بشری پدید آمده است نشان میداد . حضور نمایندگان ده کشور سوسیالیستی در کنار رهبران شوروی نشانه ای از توسعه میدان فعالیت و نفوذ سوسیالیسم ، شرکت نمایندگان بیش از ۶۰ حزب کمونیست و کارگری که در خارج از مرزهای اردوگاه سوسیالیسم برای نیل به هدفهای اکتبر پیکار میکنند ( و از آنجمله حزب توده ایران ) نشانه ای از دامنه عظیم جنبش جهانی کمونیستی بود و حضور نمایندگان دولتهای نو استقلال تلاشی سیستم مستعمرات و تنگ شدن مرز های جغرافیائی و میدان عمل امپریالیسم را نشان میداد .

در این مجمع پس از آنکه رفیق یادگورنی صدر شورای عالی جلسه را افتتاح کرد و به هیئتهای نمایندگی شادباش گفت ؛ رفیق برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنرانی جامع خویش خطوط اساسی تاریخ پنجاه ساله شوروی و درسهای حاصله از تجربه شوروی و هدفهای عمده سیاست شوروی را تشریح کرد . رفیق برژنف ضمن تشریح دست آورد های مردم شوروی خاطر نشان ساخت که ساختمان سوسیالیسم بدون غلبه بر مشکلات گوناگون انجام نمیگیرد و متذکر شد که « ساختمان سوسیالیسم امر دشواری بود ویژه برای نخستین سازندگان آن . این امکان وجود داشت که این یا آن عمل را بهتر ، سریعتر و به بهای ارزانتری انجام دهند ولی اگر بخواهیم راه طی شده را بطور عینی ارزیابی کنیم هرگز نباید این نکته را از نظر دور بداریم که هر گامی که در این راه برداشته شده پژوهشی بوده و هر پیشرفتی بیهای مبارزه سرسختانه علیه دشمنان داخلی و خارجی بدست آمده است . »

با توجه بمنافع کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگری و ضرورت مؤثر تر ساختن مبارزه بخاطر صلح است که دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنرانی خود از موضوع « گروه مائوتسه دون که به سوسیالیسم در چین لطمه بزرگی میزند و میکوشد وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی را برهم زند و با منافع مبارزه انقلابی خلقها مباحثت دارد » انتقاد کرد . اگر گروه مائوتسه دون در مقابل جریان کمکهای کشورهای سوسیالیستی بویتام مانع نمیشدند کامیابیهای نظامی خلق ویتنام میتوانست بیش از این باشد .

در مجمع کرملین نمایندگان میرز قشراهی جامعه شوروی ، زمامداران کشورها ، رهبران احزاب کمونیست و کارگری نمایندگان سازمانها و جمعتهای دموکراتیک ملی و بین المللی همه یکدل و یک زبان بر آن بودند که مناسبات بین دولتها باید بر اصول تفاهم ، تعاون ، احترام متقابل ، دوستی و برادری خلقها مبتنی باشد نه بر پایه تسلط جوئی ، رقابت و خصومت .

در روز پنجم نوامبر مراسم خاصی در لنینگراد برگزار شد . پس از نمایش عظیم صبح پنجم نوامبر که در آن دهها هزار تن

شرکت جستند و صدها هیئت نمایندگی بنای یادبود قهرمانان انقلاب را گنباران کردند ، در عصر همان روز جلسه رسمی با حضور چهار هزار تن از فعالین حزب کمونیست و نمایندگان احزاب برادر در سالن مجلل « اکتبر » تشکیل شد . رفقا برژنف ، یادگورنی و کاسیگین که از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست ، شورای عالی ودولت شوروی برای مردم لنین گراد حامل پیامی بودند در این جلسه شرکت داشتند . شهر لنین گراد که مهد سه انقلاب است طی دومین جنگ جهانی ۹۰۰ روز در محاصره اردو های فاشیست بوده و بیهای صد ها هزار تن قربانی از دست یافتن ددمششان هیتلری بهمد انقلاب اکتبر جلوگیری کرده است ، به دریافت نشان انقلاب اکتبر مفتخر گردید . مردم لنینگراد که در زمان جنگ چنان قهرمانی از خود نشان دادند در زمان صلح نیز وظائف انقلابی خود را در ساختمان پایه های مادی و فنی کمونیسم انجام میدهند .

هفتم نوامبر مراسم جشن در میدان سرخ برگزار شد . هر گز بیست و شش اتحاد شوروی صحنه چنین نمایش خیره کننده ای نبوده و هر گز رژه نظامی و نمایش زحمتکشان چنین دامنه و قدرت خاطره انگیزی نداشته است . در مراسم میدان سرخ رویداد های مهم پنجاه سال گذشته از شلیک توپهای « اورورا » گرفته تا آخرین پیروزیهای کیهانی شوروی بطور زنده نمایش داده شد . این تمام خلق بود که جشن پیروزیهای خود را بر پا کرده بود و تمام خلق بود که در عرض یکروز تاریخ پنجاه ساله خود را از نظر میگذراند . رژه نمونه هائی از گارد های سرخ با لباس و تجهیزات ۱۹۱۷ ، از واحدهای مسلح کارگران و ملوانان انقلابی ، از اتومبیل های زره پوش سال انقلاب از سواره نظام معروف بودیونی ، از نخستین واحدهای ارتش سرخ ، از واحدهای نظامی جنگ کبیر میهنی ، جلوه خاص به جشن پنجاهمین سالگرد اکتبر میداد و قدرت واحد های مدرن شوروی هر بیننده ای را مطلقن مساخت که کار و خلاقیت زحمتکشان شوروی برای صلح جهانی پاسدار نیرومندی پدید آورده است .

برگزاری مراسم جشن پنجاهمین سال انقلاب اکتبر را علاوه بر مردم شوروی که خود عامل و ناظر آن بودند ده ها میلیون از مردم جهان از طریق تلویزیونها و رادیو ها و مطبوعات دنبال کردند و این مراسم بحدادهای جهان شمولی تبدیل شد که حتی مطبوعات و رادیو های جهان سرمایه داری نیز نتوانستند بنا بعبادت همیشگی خود در باره آن سکوت کنند . مفسر رادیو لندن گفت « من هیچ جشن رسمی بخاطر ندارم که در خارج از مرز های کشور مربوطه علاقه ای که جشن پنجاه سالگی انقلاب اکتبر در سراسر جهان برانگیخته است برانگیخته باشد » مخیر روزنامه دانمارکی « ترون تو دیلی استار » که کوچکترین مهر و محبتی به کشور شوروی ندارد نوشت « در این روز فراموش نشدنی باید خاطر نشان کرد

## غرفه « ماهنامه مردم »

### در جشن روزنامه « اومانیته »

تم اصلی غرفه ما فقدان آزادی و حقان در ایران و فشار بمباران ، دستگیری ، شکنجه و زندان و صدور احکام اعدام بود . این وضع با پلاکات بزرگی که در وسط غرفه نصب شده بود ، نشان داده شده بود . نقاش هنرمند ایران را بصورت اردو گاهای از زندانیان ترسیم کرده که در آن ملت در حالیکه خون از پیکرش جاریست به پاره کردن سیبهای خاردار مشغولست شماری از پل الوار « در باره آزادی » در زیر آن نوشته شده است . این پلاکات بصورت کارت پستال نیز چاپ شده و در اختیار تماشاچیان گذارده میشد .

در قسمت دیگر غرفه نقشه ایران ترسیم شده و در آمارهائی در باره وضع ایران ، زندگی مردم و غیره ذکر شده بود . در پنجا عکسهائی از وضع زندانیان و اعدام شدگان و همچنین تظاهرات دانشجویان ایرانی در آلمان هنگام بازدید شاه از آلمان غربی ، بزرگ شده و در معرض نمایش گذارده شده بود . در قسمت دیگر غرفه عکسهای بزرگ رنگی از وضع زندگی زحمتکشان روستاهای ایران نصب شده بود که کار طاقت فرسا در دهات ایران را منعکس مساخت .

قالی و قالیچه های متعدد ، کارهای دستی ساخت ایران ، جلوه خاصی بنمایشگاه ایران داده بود .

از بلندگوی غرفه در تمام مدت آهنگ های عامیانه ایرانی پخش میشد و دستگاه پروردگاتور تصاویر رنگی بناهای تاریخی و وضع زندگی مردم میهن ما را نشان میداد . عابرین و شرکت کنندگان در جشن اومانیته پس از آشنائی با واقعت زندگی مردم ایران مراتب اعتراض خود را نسبت به فقدان آزادی و دموکراسی در ایران با امضاء ورقه اعتراض ابراز میداشتند . ورقه اعتراض را در حدود ۳ هزار نفر امضاء کردند و هیئتی از طرف حزب کمونیست فرانسه سفارت ایران در پاریس رفت وامضاها را تحویل سفارت داد .

ما از تمام رفقا و دوستانی که در تنظیم و تزئین غرفه ایران شرکت کردند صمیمانه تشکر میکنیم و موفقیت آنها را آرزو مندیم .

که اتحاد شوروی دولت معظمی است ، مردم آن کار دوستند و رهبران شایسته ای دارد . سیستم شوروی استوار از آب در آمد و کشور براف ترقی میبرد ، گواه بر این مدعا نه تنها میزان تولید پولاد بلکه رفاه خلق نیز هست . . . مردم شوروی نه تنها میتوانند آنچه طی پنجاه سال گذشته انجام داده اند مباهات کنند بلکه میتوانند از این گذشته برای آینده الهام بگیرند .

تردیدنی نمی توان داشت که از کامیابی های تاریخی اتحاد شوروی نه تنها مردم شوروی بلکه همه مردم زحمتکش جهان الهام بگیرند و برای نیل به هدفهای اکتبر مبارزه میکنند .  
ح . فروردین

# یونان پس از کودتای ۲۱ آوریل

با کودتای ۲۱ آوریل در یونان رژیم بی بر سر کار آمد که هدف فوری و نخستین خود را محور تمام آزادیهای دموکراتیک و حبس و بند تمام آزادیخواهان و عناصر دموکرات و مترقی قرار داد. این رژیم که ماهیتا دیکتاتوری محافل ارتجاعی افسراطی یونان است با صوابدید و حمایت مستقیم متجاوزترین محافل امپریالیسم امریکا و ناتو، تسلط خود را بر کشور تأمین نموده و متکی به انحصارات داخلی و خارجی است. اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که امپریالیسم امریکا الهام بخش و سازمانده کودتای یونان و گرداندگان ناتو طراحان نقشه کودتا بوده اند. واحدهای نظامی که نیمه شب ۲۱ آوریل وارد عمل شدند، وابسته به نیروهای ناتو، و مجریان اصلی کودتا، تعلیم یافته گان آمریکا و سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا و مورد حمایت دربار هستند.

هدف امپریالیسم امریکا و گرداندگان باوک تجاوزکار ناتو، از اجرای کودتای ۲۱ آوریل از نظر داخلی فشار بر جنبش پرتوان مردم یونان علیه ارتجاع و امپریالیسم تبدیل کشور به پایگاه امپریالیستها در منطقه بالکان و تبدیل هر چه بیشتر مردم زحمتکش یونان بوسیله بهره کشی انحصارات و از نظر سیاست خارجی، تحکیم بند های پیوستگی کشور به ارابه امپریالیسم و ناتو، خفه کردن جنبش دموکراتیک مردم یونان بنحوی که راه برای استقرار رژیمهای فاشیستی در برخی دیگر از کشورهای اروپایی گشوده گردد و نیز جاو گیری از تفاهم و همکاری مقابل کشورهای اروپایی برای ایجاد سیستم امنیت دسته جمعی اروپاست. از هدفهای عمده الهام دهنده گان کودتا، حل مسئله قبرس در چارچوب مصباح ناتو، بنحوی که این کشور صلحدوست در سیستم پایگاههای موشکی و سلاحهای هسته ای امپریالیستها قرار گیرد، در نتیجه اجرای نقشه های امپریالیسم را علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم منطقه بالکان تسهیل کند. از آنجهت که کوشش امپریالیسم طی سالهای اخیر پیوسته با مقاومت عنودانه مردم مبارز قبرس برخورد نموده، اکنون انجام این رسالت شوم برعهده حکومت فاشیستی یونان گذارده شده تا با حمایت سازمان جاسوسی امریکا مسئله قبرس را به حل نهائی خود، بدانگونه که دلخواه گسرداندگان ناتو است نزدیک کند. هم بدین علت است که اکنون بیش از هر زمان دیگر حکومت ملی قبرس را خطر یک کودتای فاشیستی تهدید میکند. سیاست ضد ملی و متکی به بیگانه گودتاچیان بتدریج در تمام زمینه های اقتصادی و اجتماعی اثرات خود را نمایان ساخته است. دبیر اول حزب کمونیست یونان در مصاحبه با مجری پروادا میگوید: «وابستگی کشور به امپریالیستها تشدید شده و وضع اقتصادی وخیم است. استثمار زحمتکشانش افزایش یافته و علائم خطرناک تورم نمایان شده است. بسیاری از مؤسسات بازرگانی، صنایع پدی

و کارخانجات صنعتی ورشکست شده اند. دیکتاتوری نظامی توانسته است جای پای خود را محکم کند. بحران سیاسی کشور عمیق تر و مسائل فبتلی به مردم حل نشده باقی مانده است. رژیم با اکثریت مطلق مردم در تضاد قرار دارد. حتی یک حزب سیاسی هم آنرا تأیید نمیکند. دیکتاتوری فاشیستی نظامی که از نخستین روز حیات خود، مورد انزجار مردم آزادی دوست یونان بود، با تأثیرات منفی سیاست داخلی و خارجی خود هر روز مردم را بری تر میسازد. مبارزه مردم علیه رژیم، علیرغم تمام عوامفریبیهایش روز بروز شدید تر، متشککتر و دامنه دار تر میشود. گروه نظامی متکی بربار در برابر مقاومت عمومی از خود بیتابی نشان میدهد و هر روز بر درجه فشار و اختناق میافزاید.

تشدید ترور فاشیستی با آنکه در درجه اول علیه کمونیستهاست اما نمایندگان سایر احزاب دموکراتیک، افسران عالی رتبه، ژنرال های بازنشسته و حتی رهبران و کادرهای سازمانهای راست را در بر میگیرد. تاکنون مجوعاً ۲۷۹ سازمان سیاسی و اتحادیه صنفی از فعالیت منع شده اند. جزیره «یورا» که به جزیره مرگ معروف شده، هزارها زندانی را در بدترین شرایط درخود جای داده است. از زندانیان این جزیره بیش از ۲ هزار نفر بیمار شده اند و بسیاری از آنان و از جمله قهرمان مشهور «مانولیس گلزوس» اثر شکنجه های وحشتناک بر بدن دارند. در میان زندانیان این جزیره هزارها زندانی جزیره «ماکرونوس» گاه تمام افراد خانواده، زن و شوهر و اطفال کوچک و بزرگ دیده میشوند. از میان زندانیان زن جزیره «یورا» بسیاری از مادران، همراه با کودکان خردسال خود به چندین سال زندان محکومیت یافته اند. زندانیان این اردوگاهها، گرسنگی، تشنگی، بیماری و شکنجه های غیر انسانی را تحمل میکنند. بسیاری از میهن پرستان یونان کشته شده اند و از سرنوشت بسیاری دیگر اطلاعی در دست نیست. رژیم دیکتاتوری با میهن پرستان یونانی در خفا تصفیه حساب میکند.

در دوران پس از کودتا، حتی استقلال کلیسا هم از بین رفته و روحانیونی که پیوند نزدیک با دربار دارند در رأس کلیسا گمارده شده اند. هر روز روزنامه های خارجی محصول کار دادگاههای نظامی یعنی صدور احکام مرگ، زندانیهای دراز مدت و اعزام دسته جمعی مردم میهن پرست به اردوگاهها را در صفحات خود درج میکنند. کوچکترین مخالفت با رژیم و رقیق ترین تبلیغ میهن پرستانه یا محکومتهای سنگین پاسخ داده میشود. اما مردم یونان مصمم مبارزه اند و تا تأمین تکامل دموکراتیک کشور از پای نخواهند نشست. در رأس مبارزه کمونیست ها پیشاهنگان مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری

کمونیستهای یونان قرار دارند. حزب کمونیست از اعضاء خود خواسته است که: «در این آزمایش جدید در صف نخستین مبارزه قرار گیرند و تمام نیروی خود را بکار برند تا بار دیگر نمونه های قهرمانی، دیسیپلین، ابتکار و فعالیت را عرضه کنند». ملت یونان که از ضربه غافلگیرکننده کودتای ۲۱ آوریل بخود آمده است، هر روز مقاومت شدید تر و متشککتری از خود نشان میدهد. کمونیست های یونان میکوشند تا کلیه نیروهای دموکراتیک، احزاب، گروهها و شخصیتهای ملی را به لزوم وحدت عمل در برابر دیکتاتوری متقاعد سازند.

برنامه ای که حزب کمونیست برای عمل مشترک سازمانهای چپ، مرکز و راست پیشنهاد کرده، برنامه حد اقل است. حزب کمونیست، دانسته از طرح مسائلی که بنحوی مانع از تجمع نیروها شود احتراز جسته است. مثلاً حزب کمونیست یونان برای دربار شاه در حوادث قبل و بعد از کودتا مسئولیت سنگین قائل است. در قطعنامه پلنوم ژوئن گفته میشود: «سیاست ضد دموکراتیک و فعالیتهای دربار شاه که تکیه گاه ارتجاع در دوران قبل و بعد از ۱۵ ژوئیه ۱۹۶۵ بوده است راه را برای ایجاد دیکتاتوری نظامی هموار نمود.» با این وجود در برنامه پیشنهادی حزب از طرح مسئله سلطنت خود داری شده بداند منظور که وحدت نیروها برای نیل به هدف عمده که مبارزه با دیکتاتوری است تأمین شود. در قطعنامه پلنوم چنین گفته شده است: «البته مسائل جدید دیگر و از جمله تجدید نظر در قانون اساسی و مسئله سلطنت نیز وجود دارد، ولی حزب کمونیست یونان معتقد است که برخورد مختلف احزاب و سازمانها باین مسائل نباید مانع وحدت عمل نیروهای ضد دیکتاتوری شود.»

برنامه پیشنهادی حزب کمونیست سایر نیروهای اپوزیسیون عبارتست از: سرنگونی رژیم دیکتاتوری، احیاء قانون اساسی و آزادیهای دموکراتیک، فعالیت آزاد کلیه احزاب و سازمانها، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، انحلال «خوتنا» (گروه هم بسته افسران ارشد مرتجع) اعلام عفو عمومی سیاسی و آزادی انتخابات است.

قدرت رژیم فاشیستی متزلزل است. نظامی ها از جانب پشتیبانان خارجی خود حمایت میشوند، اما قدرت آنان متزلزل است. مردم آزاده یونان که سنت دیرین و درخشان مبارزه در راه آزادی و دموکراسی دارند، حاضر به تسلیم در برابر دیکتاتوری نیستند. افکار عمومی جهان و بخصوص اروپا، رژیم فاشیستی را تأیید نمیکند. برخی از کشورهای اروپایی رژیم فاشیستی یونان را بمنزله زنگ خطر برای خود تلقی نموده و این کودتا را بعنوان «جدی ترین کودتای فاشیستی اروپا در دوران پس از دومین جنگ جهانی» ارزیابی نموده اند. افکار عمومی جهان، چنان از کودتا ناراضی است که حتی کشورهای عضو ناتو مخالفت خود را با کودتای یونان ابراز داشته اند.

بین گروه نظامی و دربار سلطنتی و نیز در میان خود کودتاچیان اختلاف نظر پدیدار شده، بین نیروهای امپریالیستی که مستقیم و غیر مستقیم، رژیم کثونی را حمایت میکنند تناقض وجود دارد، عدم ثبات اقتصادی ومشکلات بسیاری دیگر در زمینه های گوناگون موجب تشدید این تضادها و تنزل بیشتر رژیم دیکتاتوری است.

گروه نظامی ها و شاه سعی دارند خصلت خویش را پنهان نگاهدارند و برای فریب افکار عمومی جهان، وعده قانون اساسی جدید و برگشت به پارلمانتاریسم داده شده است. قطعنامه پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان میگوید: «قانون اساسی جدید چیزی جز منشور دیکتاتوری فاشیستی نخواهد بود. این مانور خطرناک باید هر چه بیشتر افشا گردد.»

سیاست حزب کمونیست یونان و سایر نیروهای چپ پیوسته در میان مردم نفوذ بیشتری کسب میکند. احزاب دموکراتیک تجدید سازمان میکنند. نخستین گامها برای ایجاد کمیته هایی که هسته های جبهه ضد دیکتاتوری هستند برداشته شده است. در شهر آتن جبهه میهنی مرکب از نمایندگان چپ، مرکز و راست مبارزه علیه دیکتاتوری را رهبری میکنند.

انتقاد از خود و مرزبندی مسئولیتها  
یازدهمین پلنوم  
کمیته مرکزی حزب  
کمونیست یونان به تحلیل وضع کشور در دوران قبل و بعد از کودتای ۲۱ آوریل پرداخته و بمثابة یک حزب جدی سیاسی سهم خود و سایر نیروها را در پیش آمد جدید مرزبندی نموده است. پلنوم وضع «ضد وحدت» رهبری اتحاد مرکب (حزب پاپاندرو) سازش آنرا با راستها و خصلت ضد کمونیستی این حزب، ترس وی را از جنبش خلق، خود داری وی را از تصفیه ارتش، ارگانهای امنیتی و دستگاه اداری از عناصر مرتجع، خود داری وی را از تصفیه کنگرسانسیون عمومی کار و سازمانهای کارگری از عوامل انحصارات و سرانجام استعفاى دولت اتحاد مرکب را در ژوئیه ۱۹۶۵ — هنگامیکه ارتجاع حملات خود را تشدید کرده بود — و نیز سازش حزب اتحاد مرکب را در سالهای ۶۷ - ۱۹۶۶ با راستها که موجب سستی وحدت نیروهای دموکراتیک و تسهیل اجرای نقشه های مرتجعین شد انتقاد میکند. حزب مسئولیت تاریخی شکست وحدت نیروها را بر عهده رهبری «اتحاد مرکب» میداند. پلنوم همچنین حزب کمونیست و ائتلاف چپ یعنی «ادا» را در ایجاد وضع جدید، دارای اشتباهات و ضعف های جدی دانسته و چنین میگوید: «بوروئی سیاسی حزب کمونیست به برخی پدیده های جدید مانند علاقه شدید امپریالیستها به پیشبرد نقشه های استراتژیک خود در یونان، درک بحران ناتو، بستگی روز افزون ارتش یونان با امپریالیستها و افزایش نقش نظامیها توجه کافی نکرد.» با آنکه ارزیابی حزب از بحران ژوئیه ۱۹۶۵ در ناله در صفحه ۴

# اخبار و شایعات

برخی از خوانندگان علاقمند ماهنامه «مردم» اخبار و شایعات جالبی را که شایسته اند برای ما ارسال میدارند. ماهنامه «مردم» برای انعکاس وضع کشور و قضاوت مردم از این پس این نوع اخبار و شایعات واصله را در صفحات خود درج خواهد کرد.

چندی پیش تعدادی از قضات عالیتر به دادگستری را بازنشسته کردند. این کار موجب نارضایتی آنها را فراهم آورد. جلسات متعددی از طرف قضات تشکیل شد. علت بازنشسته کردن و استعفا و اختلاف اینست که ساواک در دادگستری دخالت میکند و میخواهد سجل امنیتی برای قضات درست کند و همینطور دخالت ساواک و دادگاههای نظامی در امور دادگستری است بعنوان اینکه در دادگستری قاضی توده ای زیاد است دادرسی ارتش هر پرونده ای را خواست در اختیار خود میگردد و بدادگستری نمیدهد حتی پرونده القابان مغروف جعل کننده چکهای تضمینی را نیز بدادگستری ارتش دادند. شهرداری با اینکه خودش ضابط دادگستری است ولی با ساواک همکاری میکند ولی ساواک باینهم راضی نیست و میخواهد بکلی دست شهرداری را از دادگستری کوتاه کند و ایجاد سجلهای امنیتی میدان را از دست شهرداری خارج و در اختیار ساواک خواهد گذاشت.

با آنکه در تجاوز میانه بعد از حمله اسرائیل بکشورهای عربی، مردم ایران جانب اعراب را نگهداشتند و دولت هم ظاهرأ با اعراب بود، ولی هنوز هم در تهران فرستادگان دولت اسرائیل در سازمانهای کشاورزی ایران فعالیت میکنند و در قبال تنفر مردم و خطرات احتمالی مقامات غیرمسئول بآنها تضمین داده اند، سعید حلیمی یکی از نمایندگان کمیتههای انگلیسی مبلغ یکمیلیون دلار به اسرائیل کمک کرده است. دولت اجازه داده که داوطلبان ایرانی برای کمک به اسرائیل بآنجا بروند و یکسال در برطرف کردن خسارات ناشی از جنگ کار کنند. تنفر مردم نسبت بامریکائیا روز بروز بیشتر میشود، مطبوعات علناً علیه جنگ امریکا مقاله مینویسند و بامریکا حمله میکنند، تنفر در مجلههاییکه امریکائیاها کار میکنند بیشتر است. حالا امریکائیاها در گرفتن خانه برای سکونت بهمه شهر نمیروند و جاهای خاصی را انتخاب میکنند. جاهاییکه «سیا» امن و خالی از خطر اعلام میکنند.

قرار شده که طی پیشنهاد دکتر صالح و دکتر اسمعیل بیگی رئیس دانشگاه مشهد پرونده دانشجویان و خانواده آنها توسط ساواک مورد بررسی قرار گیرد. این دو تن میخواهند مسئولیت وقایع آینده را بر عهده ساواک بیاورند.

دکتر بوشهری شوهر اشرف قطعات مختلف آنتیک را بدون گریک وارد

ایران کرده تا مؤسسات دولتی بخرند و شاه هدیه نمایند.

مبارزه اشرف و فرح شدت یافته است، تا بجایی که اشرف توانست در مجلس مؤسسان ماده پیشنهادی مربوط به نایب السلطنه را تغییر شکل دهد و باین صورت در آمد که شاه میتواند هر کس را که صلاح بداند به نایب السلطنت منصوب نماید. یعنی این اصل که نایب السلطنه حتماً باید مادر ولیعهد باشد تغییر یافت.

زیر فشار ساواک تمام وزارتخانهها مجبورند از محل بودجه اداری خود و عدم پرداخت اضافه حقوق کارمندان و غیره هدیایاتی برای شاه بخرند.

پانها با تقویت از طرف شاه میخواهند فعالیت خود را در لرستان، خوزستان و کردستان شدت دهند. میگویند دیگر شیر و خورشید سرخ و سازمان پیشاهنگی نمیتواند نسل جوان را که سرکش شده مهار کنند، ولی پانها با لباسهای خاص، بازو بند و سوت و شیور و مراسم سوگند در زیر زمینهای تاریک میتوانند جوانان را متشکل کنند تا بفتح شاهنشاه ایران زمین فعالیت نمایند.

کارگران در شرکت شلات جنوب وضع بسیار بدی دارند، ساعت کار نامحدود است یعنی هر وقت کار باشد باید از صبح تا شب کار کنند، غذای کارگران کمی حیوانات پخته است، از بهداشت خبری نیست. چندی قبیل کارگری که در شب روی عرشه کشتی کار میکرد توی انبار میافتد و میمرد، پزشک قانونی از تهران میاید و قضیه را ماست مالی میکنند. میگویند مرگ در اثر غفلت خودش بوده و کسی مقصر نیست.

القابان صاحب کارخانه پلاسکو و دهها کارخانه و مؤسسات دیگر از دو سال پیش مشغول چاپ چکهای تضمینی بود، کارخانه پلاسکو ضرر کرده بود، او هم ماشین چاپی مخصوص چاپ چک را وارد ایران کرد و مشغول کار شد، یکسال پیش او دستگاه خود را جمع کرد و دستور داد ماشین را بیاورد کنند، ولی برادر او بطمع افتاد که چند میلیون هم برای خودش چاپ کند، پنج میلیون چاپ کرد و هنگام خرج کردن آن گریب افتاد. شهرداری که دست اندر کار بود مدتها پرونده را خواباند و بالاخره راه حلی پیدا کرد و گفت آنها در چاپخانه مظاهری چک چاپ میکردند و سوابق توده ای داشتند. حتی در اطلاعات هوایی اسم برادر القابان را طوری نوشتند که شناخته نشود و القابان که دوست میلیون تومان سود برده بود عروسی دوپست و پنجاه هزار تومانی راه انداخت و بدینترتیب نشان داد که ورشکست شده و ثانیاً صاحب هتل ونک را نیز با خود همزاه کرد، ولی همه میدانند که چاپخانه قدیمی مظاهری نمیتواند

دنباله از صفحه ۳

# یونان پس از کودتای ۲۱ آوریل

حزب، دبیرخانه حزب و مجموعه کمیته مرکزی میداند.

تجدید سازمان حزب، تجدید سازمان (ادا) و سایر سازمانهای ملی بعنوان اولین وظیفه اعضای حزب قلمداد شده است. از تمام کمیتههای یونان دعوت شده که به تجدید تشکل نیروهای چپ کمک کنند. در مورد انتخاب شکل مبارزه برای سرنگونی حکومت دیکتاتوری، دبیر اول حزب کمیونسیت یونان در مصاحبه با روزنامه «پراودا» میگوید: «در اینکه بچه طریق و از چه راه حکومت دیکتاتوری باید سرنگون گردد، عقاید گوناگون وجود دارد. ما معتقدیم که از پیش نمیتوان این یا آن شکل مبارزه را بعنوان شکل قطعی معین نمود. تمام اشکال مبارزه را باید بدون استثنا، از ساده ترین تا بفرنج ترین شکل بر حسب موقعیت خاص خود بکار برد. حزب کمیونسیت یونان در هشتین گذر خود تا گید نموده بود که (در شرایط مشخص می بایست راههای غیر مسالمت آمیز مبارزه را نیز در نظر داشت) و این اصل، طبعاً در شرایط کنونی نیز دارای اعتبار است.»

مینو

## پاسخ کمیته مرکزی حزب کمونسیت ونزوئلا به نامه حزب ما

رفقای عزیز! نامه شما که در آن ما را از فعالیت همبستگی خود برای آزادی ادوارد و ماخادو (عضو پولیت بوری) مرکزی حزب کمونسیت ونزوئلا. توضیح ما) آگاه ساخته، یه هیجان عمیق در ما برانگیخت. رفیق ماخادو که ۲ نوامبر آینده شصت و پنجمین سال عمر را پشت سر خواهد گذاشت چنانچه چهار سال دیگر هم در زندان بماند به هفتادمین سال زندگیش خود که سراپای آن وقف مبارزه انقلابی در صفوف حزب کمونسیت شده است، خواهد رسید.

ابراز وفاداری بانترناسیونالیسم پرولتری از طرف حزب شما که در شرایط دشوار موجود در کشور به مبارزه خود ادامه میدهد در همه ما تاثیر عمیق بخشید. شرکت پرشور رادیوی پیک ایران در این ابراز همبستگی مزید تشکرات برادرانه ماست.

رفقای عزیز! مراتب سیاست ما را مناسبست اقداماتی که انجام داده اید بپذیرید. ما بنام رفیق ماخادو و مطبوعات سیاسی توده ای ونزوئلا، بنام کمیته مرکزی و تمام فعالین حزب ما از شما سیاستگراریم و اعتقاد عمیق داریم که مبارزه قهرمانانه طولانی میهن پرستان ایرانی علیه امیرالیسم و ارتجاع مبارزه خود ما نیز هست.

با درودهای برادرانه کمیته مرکزی حزب کمونسیت ونزوئلا

یونان صحیح بوده ولی در ارزیابی فاکتهایی که دلالت بر تحکیم مواضع ارتجاع داشته دچار اشتباه شده است. حزب به تشدید تضاد بین «اتحاد مرکز» و راستها که در نتیجه مقاومت مردم بروز نمود توجه ننموده و از درک این مطلب که کوشش مرتجعین برای متکی ساختن سیاست خود به سازش «اتحاد مرکز» و راستها دچار شکست شده، عاجز مانده است. هر چند حزب خطر بروز کودتای فاشیستی را دائماً گوشزد کرده ولی عملاً این خطر را ناچیز گرفته و خود را برای مواجهه با خطر کودتای انتخاباتی آماده نموده است.

اسناد پلنوم اشتباهات حزب را در دوران قبل از کودتا اشتباهات راست ارزیابی نموده و چنین مینویسد: «همراه با ضعف ها، قصور و اشتباهات راست، حزب در برخورد مسائل دچار کویه بینی شد که بدون شک در مبارزه برای وحدت دموکراتیک اثر گذارد. فقدان آمادگی ایدئولوژیک سازمانی و فنی، بخصوص برای اقدام و عمل در شرایط جدید از موارد دیگری است که حزب از خود انتقاد نموده است. قطعنامه پلنوم چنین میگوید: «پیدایش این توهم در صفوف ما که وضع کم و بیش عادی تکامل مییابد، آمادگی ایدئولوژیک، سازمانی و سیاسی حزب و مردم را برای مبارزه با خطر دیکتاتوری دشوار نمود.» در قطعنامه گفته میشود: «غفلت جدی حزب عدم توجه بارتش است که هیچ فعالیتی در صفوف آن انجام نگرفت.»

پلنوم مسئولیت بزرگ این غفلت ها، قصور و اشتباهات را متوجه بوری سیاسی

کار بفرنج چاپ چکها را که در آن واحد چندین رنگ چاپ میشود بعهده بگیرد و از پس آنجا رفت و آمد میشود و مراقبت میگردد که نمیتوان در آنجا چک مخفی بچاپ رساند و رئیس شهرداری نیز در مصاحبه معروف خود توضیح نداد که این باند، اسناد دارد شکل، رنگ و نوع کاغذ را از کجا بدست آورده اند.

مردم به روزنامه آیندگان که با سرمایه امریکایی «سیا» منتشر خواهد شد از هم اکنون نام «نیوز اف هویدا» فرانکلین پیزر یعنی اخبار هویدا و کاغذ فرانکلین داده اند، دولت میخواهد هر چه زودتر آنرا علم کنند، با شروع کار آن سانسور بر سایر مطبوعات شدید تر خواهد شد و سهمیه آنها هم تنزل خواهد یافت.

هیچکام افتتاح سد تیان بر خلاف تبلیغات فراوانی که دستگاه دولتی نمود که شاه و فرخ پیش کارگران رفتند و آنها را مورد تقدیر قرار دادند و کارگران برای ایشان ابراز احساسات کردند، قبلاً کارگران را از محوطه کار گناه بیرون کرده بودند و مأمورین امنیت را بنام کارگر بآنجا آورده بودند و همینها بودند که ابراز احساسات میکردند.

### شعله جنوب انتشار یافت

شماره مرداد ماه ۱۳۴۶ «شعله جنوب» ارگان تشکیلات جنوب حزب توده ایران انتشار یافت. در سر مقاله این شماره تحت عنوان «دستبرد جدید سازمان جاسوسی امنیت بحزب قهرمان و استعمار شکن ما» چنین نوشته شده است: «باز هم مقامات باصطلاح انتظامی به چاپخانه دیگری از حزب ما یورش برد و این حادثه را مشابه یک پیروزی بزرگ با آب و تاب زیاد و عکس و تفصیلات فراوان در روزنامه های مختلف ولی با مضمون مشترک که از طرف سازمان امنیت دیده شده بود منعکس ساختند. این اولین بار نیست که چاپخانه مجهزی از حزب ما مورد هجوم قرار میگیرد. حزب ما بمثابة تنها حزب انقلابی طبقه کارگر ایران راه پر افتخار خود را با همه مخاطرات، قهرمانانه ادامه میدهد. انتشار خبر کشف چاپخانه مخفی حزب ما خود سند محکومیت رژیم و سند آشکار فقدان دموکراسی و اقرار بوجود رژیم پلیسی در مین ما است. مقاله دیگر این شماره درباره جنگ ۶ روزه اسرائیل با کشورهای عربی است که تحت عنوان «تحریر و تجاوز امپریالیستی در خاور میانه» انتشار یافته است. در مقاله چنین گفته میشود: «تهاجم اسرائیل به کشورهای عربی که با کمک آشکار امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی صورت گرفت جنبش رهایی بخش خلقهای خاور میانه را وارد مرحله جدیدی نموده است. سپس مقاله به نقش زمامداران ایران در این زمینه اشاره نموده و چنین ادامه میدهد: زمامداران کشور ما عملاً با اقدامات و تبلیغات خود از اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن حمایت نمودند و نه تنها خود به کمک کشورهای عربی نشناختند بلکه مانع از آن شدند که مردم مین ما با تظاهرات خیابانی، با انتشار اعلامیهها با ارسال تلگرافها، تجاوز اسرائیل و حامیان استعماری وی را محکوم سازند. در این شماره «شعله جنوب» اخباری از مناطق نفت خیز جنوب انتشار یافته که از جمله اضافه تولید نفت منطقه آغا جاری در جریان تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی است که روزانه بمیزان ۲۵۰۰۰ بشکه بالغ بوده است. این اضافه تولید بمنظور کمک به امپریالیستها در قبال قطع جریان نفت در کشورهای عربی صورت گرفته است.

ما خرسندیم که «شعله جنوب» ارگان تشکیلات جنوب حزب توده ایران علی رغم رژیم ترور و اختناق به انتشار خود ادامه میدهد و گواه بر آنستکه که مبارزان حزب ما کماکان از پای نمی نشینند و به سوگند خود در قبال مردم یعنی سوگند ادامه مبارزه علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک وفادارند. ما بر قنای تشکیلات جنوب که در شرایط ترور و وحشت سازمان جاسوسی امنیت و دیگر سازمانهای پلیسی، شعله آزادی و مبارزه را فروزان نگاه میدارند، درود میفرستیم و ادامه توفیق آنها را در کار افتخار آمیزشان آرزو مندیم.

### سخنرانی رفیق عبدالصمد کامبخش

قبل از انقلاب اکثر ایران تحت منگنه دو امپریالیسم تزاری و انگلیسی قرار داشت. در سال ۱۹۰۷ روسیه تزاری و انگلستان کشور ما را به مناطق نفوذ تقسیم کرده بودند و فقط بخش مرکزی آن بعنوان منطقه «بیطرف» باقی مانده بود. در جنگ اول جهانی که لنین آنرا جنگ میان دو گروه غارتگر برای غارت های جدید و تجدید تقسیم غارت های قبلی توصیف کرده است روسیه تزاری سخاوت بخرچ داد و بخش «بیطرف» را نیز به انگلستان واگذار کرد و در عوض آن بموجب قرار داد سری آهوی نا گرفته بدست یعنی داردائل را دریافت داشت. به کشور ما و اماها و قرار داد های اسارت بار تمیل گردید. کمراکات مات تحت کنترل امپریالیستها بود. خلاصه ایران تقریباً به مستعمره کامل بدل شده بود.

ما در چنین وضعی قرار داشتیم که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر روی داد. یکی از نخستین اقدامات حکومت جوان شوروی افشاء و الفاء تمام قرار داد های سری نا برابر بود. حکومت شوروی تمام دارائی روسیه را در ایران بلا عوض به ایران واگذار کرد و رژیم کاپیتولاسیون را ملغی اعلام نمود. و اما اگر از دورنمایی که در برابر کشور ما گشوده شد چنانکه باید و شاید استفاده نشد گناه آن فقط به گردن محافل حا که ارتجاعی ایران است.

انقلاب اکثر به جنبش آزادی بخش کشور ما تکان نیرومند داد. جنبش انقلابی قبل از همه استانهای شمالی ایران یعنی آذربایجان و گیلان را در بر گرفت. در گیلان جمهوری اعلام شد و خود را جمهوری شوروی نامید.

در سال ۱۹۲۰ حزب کمونیست ایران تشکیل شد. با آنکه جنبش انقلابی سرکوب شد حزب کمونیست به حیات و مبارزه خود ادامه داد. حزب توده ایران وارث بالاستحقاق حزب کمونیست ایران است که در شرایط مساعد تر یعنی در دوران جنگ دوم جهانی و ییکار قهرمانانه مردم شوروی پدید آمد. تحت رهبری حزب توده جنبش دامنه وسیعی بخود گرفت و در سراسر کشور بسط یافت. ارتجاع ایران بکمک امپریالیستهای امریکا حزب ما را مجدداً به اختفای عمیق واداشت. مبارزه ما اکنون در شرایط دشوار انجام میگیرد. فعالیت انشاعگرا نه گروه مائوسه دون دشواری وضع ما را بیشتر کرده است. ولی ما از این دشواری ها باک نداریم. ما مبارزه خود را در راه آزادی مردم خود و تأمین وحدت صفوف جنبش جهانی کمونیستی که ضامن پیروزی ما است ادامه خواهیم داد.

رفیق کامبخش در دنباله سخنرانی خود گفت: طبقه کارگر روسیه در سال ۱۹۱۷ شعار «صلح برای کلبه ها و جنگ علیه کاخ ها» را اعلام کرده بود. طبقه کارگر تحت رهبری حزب خود و لنین بزرگ پیروز شد. کشور شما طی ۵۰ سال چنان تغییری

### یک نمایش خنده آور

روزهای زندگی اعلیحضرت شدند و تهران را گل باران کردند. دربار از ماهها پیش در تب و تاب بود. گویا کالسهک های پلاستی سلطنتی و ماشین لیوزین مزین به طلا برای بردن شاه، نایب السلطنه و ولیعهدش بکاخ گلستان کافی نبود بدینجهت کالسهک طلالی دیگری بهای ۸۰۰۰۰۰۰ مارک از اتریش خریداری شد. تا عبور از خیابانهای تهران کاملاً چشمه گیر باشد. با صرف مبالغ زیاد «بورلی یک» طراح انگلیسی بایران آمد تا باغچه های کاخ گلستان را طراحی کند. شرکت آلمانی «کلاس موگ» مأمور آتش بازی تهران شد و ۵۰۰۰ رکت با آسمان فرستاد. شرکت دیگر آلمانی «زیماک» مأمور آذین بندی شهر گردید. ارز کشور بخارج رفت و ۷۰۰ تن پولاد، ۳۰۰ کیلومتر سیم تلگراف ۳۵ میلیون لامپ، میلیونها شاخه گیل و هزاران اشیاء متنوع دیگر از خارج وارد شد. هزارها پایه برق، یک میلیون پرچم سه رنگ، مشعلها، دکها، ستونها، دیسکها، طرحهای پلاستیکی و آلومینیومی، ۵۲۰۰۰ طاق نصرت، ۲۷۰ ستون یاد بود، صد ها میدان جدید، تهران را آراستند. کلبه ها تاریک ماندند تا تهران نورباران شود. مخبر کیهان نوشت: «یک کودک مجصل برفیق همسالیش گفت: دلم نمیدانم تا صبح بخونه برگردم، خوبه همیشه تاجگذاری باشه» کودکانی که در زندگی کوتاه خود، شب را با سوسوی چراغهای نفتی آغاز کرده اند، میخواستند یک شب هم که باشد، در پناه انوار خیره کننده چراغهای ۱۲ هزار تومانی خیابانهای شمالی تهران، خانه سر کوفته، سهره بیرنگ و بو، و محیط غم زده خویش را فراموش نموده و به پیروی از اعلیحضرتین «کودکانه شادی» کنند.

آتشی که میبایست کلبه دهقانان را گرم کند، در قتل گوهها فروخته شد و دام کاری دهقان، بدستور ژاندارم در مدخل ده قربانی گردید، دهقانانی که طلا را جز بر کردن و دست زن ارباب بیاد نداشتند، مجبور به پیشکش «لوجه زرین» شدند.

«کاروانهای شادی» که از شمال بجنوب و از شرق بغرب راه افتادند، خاطره حاجی فیروزهای خودمانی را بیاد میآوردند که در طلب یک لقمه نان، با دل خونین از آندوه فقر و نیستی، صحنه های طرب و شادی میآفرینند و بر لبها خنده می نشانند. اینها نیز گزیری جز اجرای فرمان نداشتند.

برای تهیه لباس فرح دنیا، نماینده کریستان دیور مقیم تهران شد و همراه باسی نفر دیگر روزانه ۱۶ ساعت بر پارچه های زربفت، دانه های الماس و زمرد و یاقوت

نشانندند. «پیراربل» جواهر ساز مشهور فرانسوی، برای نظارت بر نصب جواهرات تاج فرح ۲۴ بار از پاریس به تهران آمد و بازگشت. بر این تاج گوهر نشان، یک زمرد ۱۵۰۰ قیراطی، ۲ زمرد ۱۰۰۰ قیراطی، ۳۶ یاقوت، ۱۰۵ مروارید، ۴۹۹ قطعه الماس و ۹۷۰ دانه برلیان نشانند و با وجود این شکوه و جلال سرسام آور فرح دنیا سالوسانه ادعا نمود که: «من همیشه کوشیده ام رفتار طبیعی و انسانی داشته باشم، ملکه بازی نکنم و در میان مردم با تشریفات ظاهر نشوم». شماره گوهر های تاج بهلوی که بر فرق کج اندیش شاه نهاده شد، کمربند زرین شمشیر و گرز سلطنتی اعجاب انگیز است. تهیه اینهمه «اسباب بزرگی» که روزگاری هوس تاجگذاری دیکتاتور کبیر را سیراب نمود، این بار میبایست عطش جباه پرستی پسر را فرو نشاند.

از صحنه های جالب این خیمه شب بازی تهرین مراسم تاجگذاری بود. اطلاعات نوشت که از چند هفته قبل، شاه و فرح و رضا، هر روز بکاخ گلستان میروند و مراسم تاجگذاری را با دقت «تمرین» میکنند. خنده آور و در عین حال تأسف انگیز است که در قرن بیستم، قرن معجزات علم و دانش، قرن تسخیر فضا، موجوداتی حقیر با شاه و زوزک بازی، مواهب یک کشور زرخیز را بیای هوسهای خود بریزند، در برابر دوربین عکاسان چپ و راست روند، گردن بگیرند و فقر بفروشند. بیجهت نیست که تعداد کبیری خبرنگاران خارجی که قول اطلاعات «در هیچک از مراسم بزرگی که در جهان اتفاق افتاده باین اندازه در آن شرکت نجسته اند.» برای تماشای این مراسم حیرت انگیز سر و دست شکستند. اگر احیاناً در دور افتاده ترین نقاط کبیتی مراسم آمخواری هم به نمایش گذارده میشد، مسلماً خبرنگاران با همین عجله بتمشای آن میآمدند. بهمین دلیل است که حتی روزنامه ای مانند «هزالد تریبون» می نویسد: «تشریفات تاجگذاری مانند یک نمایش خوب از آغاز تا پایان بیش از نیمساعت طول نکشد.

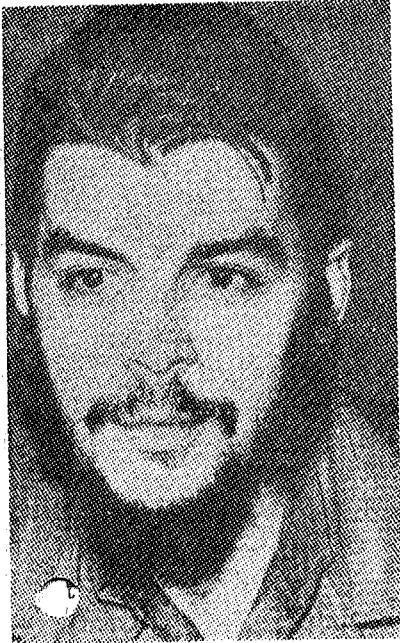
میلونها پولی که در این رهگذر برای بازی پرشکوه تر جلوه دادن این خیمه شب برانگیخت. با توجه باین عدم رضایت عمومی و فریب مردم است که فرح مزورانه در خاطرات خود مینویسد: «شکوه و جلال این تاجگذاری در واقع از آن ملت ایران بود» ولی حقیقت جز این است. مردم با این مسخره بازیها کمترین موافقتی ندارند، استبداد و تفرعن سلطنت را پدیده ای متروک و قرون وسطایی، هیئت حا که و بر رأس آن شاه و دربار را سربازی تنگین بر دوش جامعه و سرپای این حرکات را توهین بخویش تلقی میکنند.

شاه مدعی است که با بر سر گذاشتن تاج سلطنت، خود را بیشتر از همیشه در کنار مردم حس میکند. اما حتی تاز پوسیده ای هم شاه و مردم را بهم پیوند نمیدهد. راه مردم از راه شاهان و امیران جداست. مینو

کرده است که نسل کنونی فقط از روی گفته دیدگران میدانند که آن کلبه ها فقر توده ها و استثمار سرمایه داران و تازیانه های ملاکان وجود داشته است. ولی در کشورهایی چون کشور ما دنباله در صفحه ۶

## تاج نامه

## زندگی طی شد، حماسه باقی است



انقلابی و قهرمان فقید ارنستو چ. گوارا

مردی بنام، با هفت کوله در بدن در گوری گمنام در «واله گراند» فروخت. این قهرمان به خلق بهترین چیزی را داد که میتوانست عطا کند، یعنی زندگی خود را، و خلق باین قهرمان بهترین چیزی را خواهد داد که میتواند عطا کند یعنی جاودانی بودن را. زندگی طی شد، حماسه باقی است.

۱. سپهر

تلگراف تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران برفیق کاسترو

بمناسبت مرگ ارنستو گوارا

هاوانا - کوبا

کمیته مرکزی حزب کمونیست مائو رفیق فیدل کاسترو

از مرگ رفیق ارنستو چ. گوارا انقلابی درخشان، مجاهد دلور راه آزادی و استقلال خلقهای امریکای لاتین عمیقاً غمگین و متأثر شدیم و از شما تقاضا داریم مراتب تسلیت و همدردی صمیمانه ما را بپذیرید و احساسات عمیق برادرانه ما را به حزب و مردم کوبا و خانواده رفیق بزرگوار فقید ابلاغ نمایید. کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۰ اکتبر ۱۹۶۷

دنباله از صفحه ۵

سخنرانی رفیق عبدالصمد کامبخش

ایران هنوز هم کاخ ها در کنار فقر سیاه بر پا هستند. برای هوسرانی های محافظ خاک که صد ها میلیون دلار خرج میشود ولی در کنار آن انسانها از گرسنگی جان میدهند.

شرح تمام بفرنجی های مبارزه مادشوار است ولی ما میدانیم که در این مبارزه میتوانیم به شما که سازنده کشور کبیر شورا ها هستیم متکی باشیم.

زندهباد اتحاد شوروی آفریده کبیر بزرگ، یابنده باد حزب کمونیست اتحاد شوروی - حزب بزرگ لندن

زندهباد دوستی استوار میان ملت های ما

رنجر های ارتش بولیوی، مأمورین «سیا»، «بره سبز های» امریکایی، عمل «اف. ب. ار» - همه و همه از هر سو شتافتند تا مرده ارنستو چ. گوارا را انگشت نگاری کنند و به هويت «دشمن شماره يك» خود، این «نخستین همشهری جهان سوم»، مطمئن گردند.

ولی «ژنرال اواندو» که خود در قتل گوارا ذیبدخل بود با اطمینان سخن می گفت. علت روشن است. چنانکه مخبر روزنامه مطلع «تایمز» لندن پائول متگمیری مینویسد: «گوارا با زخمهای خفیفی اسیر شد. پس از آنکه دشمن نسبت به هويت او مطمئن گردید با گلوله ای که در قلبش جاداد او را از پای در آورد». نام قاتل فرمسا به ارنستو گوارا در جراحت بورژوازی امریکا سرهنگ پرادو ثبت شده است. برای ارنستو گوارا این پایان، نه این روش سبعانه دشمن بهیچوجه غیر منتظره نبود. او چندی پیش در نامه ای که در مجله «مارشا دومونته ویده نو» درج شد بود چنین نوشت: «انقلابی، در آن تلاشی که پایانش مرگ اوست، مانند شمی خود را فرو میسوزاند. فداکاری او بهای آن آزادی است که بر پا میدارد.»

در آن ایام که هنوز شایبه قتل گوارا مسلم نشده بود، یکی از دشمنان او، سردیر يك روزنامه معروف بورژوازی آقای س. ل. سولتس پرگر در شماره ۹ اکتبر ۱۹۶۷ روزنامه «نیویورک هرالد تریبون» این عبارات جالب را نوشت: «شخص نمی تواند از تحسین شهامت و بی گبری چ. گوارا، معروفترین انقلابی آرژانتین پس از خوزه دوسان مارتین خودداری کند... او دشمن ماست ولی، خواه در گوری گمنام خفته، خواه بجائی دور دست رفته باشد، در خورد احترام و تجلیل است.»

چيست که دشمن را به احترام وامیدارد؟ شهامت در نبرد، ایستادگی در ایمان، چيست که در توده ها اعتماد می انگیزد؟ جانبازی در راه سعادت و رهایی آنان. ارنستو چ. گوارا هم دشمن را به حرمت واداشت و هم اعتماد دوست را بر انگیزت. این جراح نیرومند و دلیر که می توانست در شهر زاد و بومی خود زندگی مرفه بسازد، گاه با نام «رامون» گاه با نام «فرناندو» گاه در گواته مالا، گاه در بولیوی، گاه در سیرا مائسترا بدنبال درمان درد های جامعه رفت. قلبی که در او میطیبه برای آرزو های کوچک نبود. روحی که داشت بظرف افتخارهای بزرگ پر میگشاد. همه جا تلاش او بشهرنشست ولی او مردپشت

میز های خاموش نبود. او «این مرغ طولان»، این «دانگوی» دلیر که دل خویش خود را بر سر دست گرفته بود، میخواست بردگان همه عالم را رها سازد و آنچه را در سرود ها خوانده میشود به واقعیت بدل کند. رهبری حزب کمونیست شوروی درنامه خود به فیدل کاسترو و رابح «مردی در حداعلی صفایا کبیر گی روحی» خوانده است.

ای خیردمند عاقل دانا  
قصه تاج نامه منظوم  
از قضای فلک ستمکاری  
«شکمش طبل و سینه اش چوسپر  
بعد يك ربع قرن غارت و ظلم  
بر سر خود نهاد تاج کیان  
اندرین عصر موشک او بر تخت  
خطبه خواند از عدالت و انصاف  
«مژدگانی که گریه عابد شد  
مستبد دم از انقلاب زند  
«انقلاب قلبی» الحق  
لاف هائی براه افتاده است  
«شاه ما در همه امور و علوم  
رونق پارلمان ما شده است  
بهر تقلید کار ما آیند  
ليك علیرغم این دعاوی لوس  
در سخن از سوئد فتنده جلو  
گر ترا اندرین بود شکمی  
وضع آن قوم را بین که بود  
آن شنیدیم که گفت بر سر تخت  
چونکه بر تخت مرمین شاهان  
تا بنامد جناب عزرائیل  
«دو بدین چنگ و دو بدین چنگال  
فزع پهلوی در آمد و گفت:  
من تو داده ام سه تن فرزند  
تو بن در عوض عطا کردی  
اشرف پهلوی جو این بشنید  
گفت از مسندت کنم اردنگ  
تخت طاووس حق شهرام است

جملگی غافلند از ملت  
روزی آید که او کند اردنگ  
دین شغالان شوم گریه صفت  
میشود موزه ای برای عموم  
تو تصور مکن که خاموش است  
گر بکوشیم و متحد گردیم  
انقلاب حقیقی ایران  
نوبت رزم و افتخار شماست

## يك سيند تازه دایر بر دخالت «سیا» در حوادث کودتای ۲۸ مرداد

اخیراً مجله امریکائی «نیوز ویک» که مجله بورژوازی معتبر و مطلبی است ضمن شرح پر آب و تابی در باره جریان تاجگذاری شاه چنین نوشت: «با کمک سازمان مرکزی جاسوسی امریکا» (سیا) دولت دکتر مصدق سرنگون گردید و شاه ظرفدار غرب به تخت و تاج عودت داده شد. «نیوز ویک» - شماره ۶ نوامبر ۱۹۶۷ صفحه ۳۳. همین توطئه ننگین امپریالیستی است که اکنون هیئت حاکمه تحت عنوان «قیام ملی ۲۸ مرداد» برای آن هر ساله مراسم مفصلی برگزار میکنند. همین توطئه ننگین امپریالیستی است که مبداء ولادت رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی است.

## کشف داهیانه شهبانو!

نایب السلطنه «شاه فرح دیا اخیراً - بنقل خوانندهها (شماره ۴ سال ۲۸) - در ضیافت باغ ارم شیراز گفته است: «امروز همانطور که روشهایی بنام سوسیالیسم و کاپیتالیسم در جهان وجود دارد، باید قبول کنیم روشی بنام ژورنالیسم نیز وجود دارد. واقعاً کشف داهیانه است فقط عیش اینست که شهبانو از سه روش دیگری که در دنیا وجود دارد اسم نبرده اند، یعنی از تورسیم، الکلیسم و روماتیسم»